روایت

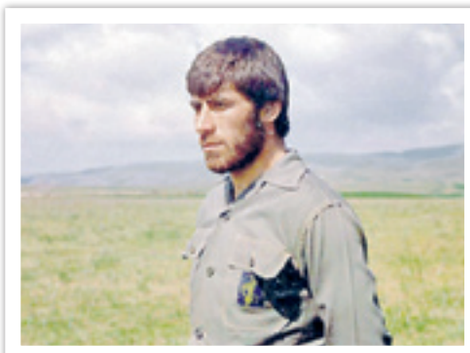

شهید شاپور برزگر، فرماندهی از جنس غیرت و ساده‌زیستی

پهلوانی که الگویش حضرت عباس(ع) بود

■ آرمان شریف

سردار شهید شاپور برزگر از نام‌های بزرگ دفاع مقدس است. فرمانده‌شجاع لشکر عاشورا افتخارات زیادی را از خودش به یادگار گذاشته است. او برای رسیدن به مقام شهادت، پله پله مسیر خودسازی و تحول را پیمود و خود را به خوبی برای رستگاری آماده کرد. شهید شاپور، در مسیر زندگی‌اش به خوبی نشان می‌دهد که چگونه می‌توان از دلبستگی‌های مادی دل کند و به مراتب اخروی دل بست. زندگی این شهید والامقام نکات باارزشی برای بهتر زیستن در خود دارد.

شهید شاپور از همان سال‌های نوجوانی، پرتلاش، شجاع و غیور بود. او به کشتی علاقه‌مند بود و نیمه حرفه‌ای این ورزش را ادامه می‌داد و چندین بار موفق به کسب رتبه در این رشته شد. روحیه پهلوانی او در سال‌های بعدی که همزمان با شروع دفاع مقدس بود، بسیار به کمکش آمد و توانست در بزنگاه‌های حساس کمک‌حالش باشد. با شروع جنگ تحمیلی و پیشروی دشمن به سوی آبادان و خرمشهر، راهی جبهه شد و به اتفاق دوستانش به دفاع از آبادان پرداخت و طی یک عملیات محدود مجروح شد ولی پس از بهبودی، در سپاه پاسداران اردبیل واحد آموزش را برعهده گرفت. شهید در همان سال‌های نخستین دفاع مقدس تصمیم به تشکیل خانواده و ازدواج گرفت.

همسر شهید درباره نحوه آشنایی خود با شاپور برزگر می‌گوید: «من در بسیج خواهران ـ که آن موقع تشکیلات گسترده‌ای نداشت ـ با برادرزاده ایشان آشنا و از این طریق به خانواده برزگر معرفی شدم. روزی که به خواستگاری آمدند، تمام صحبت‌های شاپور حال و هوایی الهی داشت. از من خواستند در زندگی جدید حضرت زهرا(ع) را الگوی خود قرار دهم و با هم به قرآن قسم خوردیم تا نسبت به هم وفادار باشیم. مراسم عروسی بسیار ساده و بدون هیچ‌گونه تجملی برگزار شد.» در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۱ – چند روز قبل از شروع عملیات فتح المبین – به جبهه اعزام شد و در منطقه حسینیه توان فرماندهی و شجاعت خود را نشان داد. در این عملیات همراه نفرات گروهان شهید باهنر – که فرماندهی آن را به عهده داشت – با پاتک دشمن به مقابله برخاست و دشمن را به عقب‌نشینی وادار کرد. استعداد نیروهای دشمن در این پاتک سه تیپ بود. بعد از عملیات بیت‌المقدس به دلیل شهادت عده‌ای از دوستانش بسیار متأثر بود و مدام آنها را مرور می‌کرد و به زبان می‌آورد. او برای خود در خانه اتاقی کوچک ساخته بود و اسم آن را حجله شهدا گذاشته و تصاویر شهدا را بر دیوار آن نصب کرده بود و آنجا با خود خلوت می‌کرد و به عبادت می‌پرداخت. این حوادث زمینه تحولی درونی را برای او فراهم کرد و در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۱ دوباره عازم جبهه گردید و در سمت مسئول آموزش لشکر ۳۱ عاشورا به کار مشغول شد اما به دلیل بروز تأخیر در عملیات به اردبیل بازگشت. در تاریخ ۱۳۶۲/۲/۱۴ در اثر انفجار نارنجک در پادگان آموزشی، دست راستش از مچ قطع شد. پس از ترخیص از بیمارستان شهید مصطفی خمینی تبریز سه ماه مسئولیت واحد آموزشی نظامی منطقه پنج کشوری را عهده‌دار بود. شاپور علاقه‌ای به گردآوری مال و منان نداشت و حتی از دزد فقیری که به خانه او وارد شده بود، گذشت و مال خود را از او نخواست. او به همسرش گفته بود: «اگر به خاطر اسلام نبود، هیچ وقت از کنارت دور نمی‌شدم. اگر در این راه به عزت خون ندهم، دشمن به ذلت از ما خون می‌گیرد. تو از من راضی باش و دعا کن.»

> یکی از همرزمان شهید غیرت و اعتقاد بالای ایشان را چنین توصیف می‌کند: «یک دستش قطع شده بود اما دست بردار جبهه نبود. به او گفتند با یک دست که نمی‌توانی بجنگی، برو عقب. گفت مگر حضرت ابوالفضل(ع) با یک دست نجنگید؟

شاپور در تاریخ ۶۲/۷/۲۹ در منطقه پنجوین در عملیات والفجر ۴ شرکت کرد. در این عملیات، هماهنگ‌کننده محورهای عملیاتی بود. منطقه عملیات، کوهستانی بود و تعدادی از واحدهای لشکر در محاصره دشمن قرار گرفته بودند و از عقب درخواست نیروی کمکی کردند. دو گروهان به آنها پیوست. یک گروهان توسط برزگر و یک گروهان توسط مصطفی اکبری، هدایت و رهبری می‌شد. یکی از همرزمان شهید غیرت و اعتقاد بالای ایشان را چنین توصیف می‌کند: «یک دستش قطع شده بود اما دست بردار جبهه نبود. به او گفتند با یک دست که نمی‌توانی بجنگی، برو عقب. گفت مگر حضرت ابوالفضل(ع) با یک دست نجنگید؟ مگر نفرمود: والله ان قطعتموا یمینی، انی احامی ابداً عن دینی. لحظه‌های آخر که قمقمه را آوردند نزدیک لب‌های خشکش، گفته بود مگر مولایمان امام حسین (ع) در لحظه شهادت آب آشامید که من بیاشامم.» شهید برزگر سرانجام در مرحله سوم عملیات والفجر ۴ و در ارتفاعات شیخ گزنشین در سمت مسئول محور لشکر ۳۱ عاشورا در خاک عراق (پنجوین) به تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱۳ در اثر تیر دوشکا و اصابت ترکش به پشت به شهادت رسید.

چرا جنگ تحمیلی «دفاع مقدس» شد؟

پیوند مکتب تشیع و فرهنگ عاشورایی به مقاومت مردم ایران معنای دیگری داد

■ سرهنگ پاسدار موسی انصاری

اولین روزهای مهر هر سال، یادآور شروع یک جنگ تمام عیار و ویرانگری است که از سوی رژیم خونریز و جنایتکار بعثی با رهبری صدام و با رضایت، حمایت، هدایت و پشتیبانی تمامی مستکبران عالم بر ملت رشید و انقلابی ایران اسلامی تحمیل شد. هدف دشمن از این جنگ، قتل و غارت، تصرف سرزمین، کشورگشایی و نابود کردن یک ملت با همه دار و ندارش بود. آنها آمده بودند تا بی‌رحمانه بر ملت مظلوم ایران بتازند و هستی‌اش را به تاراج ببرند. نیت‌های پلید آنان یکی پس از دیگری رنگ باخت. اهداف شوم دشمنان با دفاع و مقاومت مردم ایران تحقق نیافت و به یکی از برگ‌های زرین تاریخ معاصر ایران تبدیل شد.

■■■

■ **تصور شکست انقلاب اسلامی**

در برهه‌ای از تاریخ بشر که جو حاکم در جهان در سیطره سرمایه‌داران با نگاه ماتریالیستی و تمسک به تمامی ایسم‌ها بود و نظریه‌پردازان در تلاش بودند تا نفی خدا و معنویت را در هدایت بشر به خورد ملت‌ها بدهند و جهان را صرفاً با استفاده از توان و قدرت مادی بدون نیاز به معنویت و اعتقادات خود مدیریت کنند، طبیعی بود که صدام هم با این ایده و نگاه، تصمیم به آغاز جنگی خانمانسوز و ویرانگر بگیرد.

برداشت صدام و حامیان آن از انقلاب اسلامی و فضای به وجود آمده در ایران این بود که یک انقلاب خام، بدون پشتیبانی و حمایت خارجی حرفی برای گفتن ندارد. آنها فکر می‌کردند کشور و حکومتی که بدون الگوبرداری از کشورهای دیگر و از شیوه‌های حکومتی که قبلاً تمرین نشده و رخ نداده بود، پا به عرصه عالم گذاشته است دوام زیادی نخواهد آورد و عمرش به درازا نخواهد کشید. در تصورات آنها انقلاب اسلامی ایران به راحتی شکست می‌خورد و فرصت برای جولان دشمنان مهیا می‌شد. صدام خیال می‌کرد انقلاب اسلامی یک لقمه قابل هضم برایش است که با یک جنگ مختصر و با مدت زمان محدود و با پشتیبانی از سوی کشورهای منطقه و همچنین دولت‌های بزرگ دنیا با کمترین میزان تلفات، انقلاب اسلامی ایران را کاملاً متلاشی می‌کند و به اهداف شوم و نابخردانه خود می‌رسد. صدام با چنین تلقی و برداشتی گفته بود ظرف ۴۸ ساعت خوزستان و ظرف یک هفته تهران را می‌گیرد. او به چنین برنامه‌ای ایمان داشت و حمله و نابودی انقلاب نوپای اسلامی را کاری سهل و آسان می‌دانست.

■ **رهایی از ایسم‌های دروغین**

اما عکس‌العمل و نگاه انقلاب اسلامی ایران نسبت به ایده‌ها، تئوری‌ها و تفکرات خشک شده غرب و شرق و رؤیاهای مستکبران کاملاً متفاوت بود. انقلاب اسلامی ایران با الهام گرفتن از ذات اقدس احدیت، سرچشمه خروشان و زلال اسلام ناب محمدی و مصحف و کتاب منحصربه فرد قرآن کریم، این منبع و کلام نورانی وحی و همچنین ائمه اطهار (ع) و از غدیر تا عاشورا، مکتبی را به جهان معرفی کرد که متفاوت‌تر از همه ایده‌ها و یافته‌های پوچ بشری بود که مبنایشان را از ایسم‌های باطل می‌گرفتند.

همین متفاوت بودن انقلاب اسلامی بود که موجب شد صدام و همه عقبه آن، در یک سردرگمی مطلق فرو روند و در نهایت بدترین تصمیم را در حق ملت ایران که با تفکر جوشیده از انوار الهی و مکتب تشیع پیونده خورده بود، گرفتند. دشمن ناجوانمردانه و به صورت وحشیانه به این غنچه تازه از دل خاک برآمده یورش برد و جنگ تمام عیاری را آغاز کرد. دشمنان آرزوی خشکاندن این غنچه و نهال تازه را داشتند و برای رسیدن به این هدف برنامه‌ها و هزینه‌های زیادی کرده بودند.

اما نگاه و فرهنگ پرورش یافته رزمندگان در مکتب عاشورا، به جنگی که تحمیل شد، معنا و مفهوم دیگری داد که این نگاه هم متفاوت با سایر تفکرات و اندیشه‌های حاکم بر عالم است. ما ماهیت جنگ را از منظر دفاع از دین و ارزش‌های والای آن، دفاع از ناموس و خاک و دفاع از انقلاب و آرمان‌های آن و یک کلام اطاعت محض از ولی امر مسلمین زمان تعریف کردیم، چون منطبق بر باورها و اعتقادات ما بود که ریشه در تفکرات منحصر به فرد ما داشت.

> گرامیداشت دفاع مقدس به خاطر این است که صحنه جنگ و کشتار و آتش و خون را با تأسی از هنر عاشورایی و با فرماندهی حضرت روح‌الله که خود استاد پرورش یافته از همین مکتب عاشورا بود، به بزرگ‌ترین و اثربخش‌ترین دانشگاه عالم تبدیل کردیم

■ **الگویی برای آزادیخواهان**

بنابراین جمهوری اسلامی با همین نگاه مقدس به دفاع، توانست صحنه جنگ را به یک فرهنگ، گفتمان و راهبرد تبدیل کند و تا آخر پیش ببرد، به طوری که این فرهنگ و منش، صِرف استفاده در جنگ‌ها تعریف نشده و چه بسا فراتر از آن به عنوان یک منشور در تمامی صحنه‌های مدیریتی کشوری، منطقه‌ای و بلکه جهانی قابل تعمیم است. دفاع مقدس اکنون به عنوان نماد و الگویی ارزشمند، موفق و کارآمد برای تمامی ملت‌های آزادیخواه عالم تبدیل شده است. ملت‌هایی که کمرشان زیر بار حقارت و بی‌هویتی و یوغ استعمار و سلطه دولت‌های ظالم و متجاوز خم شده است، حالا الگویی پیش رویشان دارند که تن به ذلت نمی‌دهند و تا آخرین قطره خون مقاومت می‌کنند و اجازه تسلط دشمن را نمی‌دهند. دفاع مقدس ایران فصل تازه‌ای پیش‌روی تمام آزادیخواهان گشود و درس‌هایی بزرگ برایشان به یادگار گذاشت. حالا سیره و روش هر شهید یک درس بزرگ برای هر انسان آگاه و مجاهدی است که به دنبال بهتر زندگی کردن و رستگاری است.

در این شیوه از جنگیدن بود که نظام اسلامی با تأسی از آموزه‌های خاص دینی، شیعی خود و با الهام گرفتن از فرهنگ علوی و عاشورایی و همچنین جایگاه و نقش با عظمت ولایت مطلقه فقیه، توانست ماهیت جنگ را تغییر دهد. تنها در این مدل جنگیدن است که هیچ زمان شکست معنا و مفهومی ندارد، زیرا چه بکشد و چه کشته شود، چه مغلوب شود یا غالب، درهر دو حالت پیروز است. به فرموده حضرت امام(ره) «ما مأمور به تکلیفیم نه به نتیجه» و مردم ایران در هشت سال دفاع مقدس به تکلیفشان عمل کردند.

آنها که روزی علیه انقلاب اسلامی مردم ایران متحد شدند، پس از پایان دفاع مقدس، به دشمنی علیه یکدیگر پرداختند و به دنبال نابودی هم بودند. نفاق و دشمنی بر جبهه دشمنان افتاد و آنها به جنگ علیه همدیگر پرداختند و شرایط را برای نابودی هم مهیا کردند. مکر آنها علیه مردم ایران، به جان خودشان افتاد و خسارات و هزینه‌های زیادی روی دست‌شان گذاشت. صدام در جنگی که هدفش نابودی انقلاب اسلامی بود، بساط نابودی خودش را مهیا کرد. در پایان دفاع مقدس بود که تمام دنیا مظلومیت و حقانیت رزمندگان و شهدای ایران را مشاهده کرد و همگان فهمیدند متجاوز، آتش‌افروز و اشغالگر این جنگ چه کسی بود.

■ **دانشگاه انسان‌ساز**

گرامیداشت این حادثه نه به دلیل این است که ما از جنگ استقبال می‌کنیم و نه نشانه این است که از وقوع جنگ خوشحال می‌شویم بلکه توجه به این نکته را می‌رساند که با آن نگاه غیرتمندانه به جنگ در ظاهر هم ما پیروز شدیم و هم دشمن را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشتیم. دشمنی که می‌خواست یک هفته‌ای نسخه انقلاب اسلامی را بپیچد و تا تهران بیاید فقط ۴۰ روز پشت دروازه‌های خرمشهر ماند و در طول هشت سال نتوانست وجبی از خاک ایران را در اشغال خود نگه دارد. دفاع مقدس از معدود جنگ‌هایی بود که دشمنان نتوانستند بر ما تسلط یابند و بخشی از خاک کشور را اشغال کنند.

گرامیداشت دفاع مقدس به خاطر این است که صحنه جنگ و کشتار و آتش و خون را با تأسی از هنر عاشورایی و با فرماندهی حضرت روح‌الله که خود استاد پرورش یافته از همین مکتب عاشورا بود، به بزرگ‌ترین، کاربردی‌ترین و اثربخش‌ترین دانشگاه عالم تبدیل کردیم و شاگردانی در این مکتب تربیت شدند که هر کدام از آنها یک دانشگاه و مکتب بودند.

از این دانشگاه انسان‌سازی که از دل جنگ تأسیس شد، انسان‌هایی پرورش یافتند که استاد این دانشگاه به حال تربیت یافتگانش هم غبطه می‌خورد، چراکه آنها به درجه‌ای از معنویت رسیدند که در راه کمال و بزرگی حق مطلب را ادا کردند. شاید نیازی به معرفی نباشد اما سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی یکی از شاگردان همین دانشگاه بود.

رزمنده‌ای که از دل فرهنگ عاشورایی دفاع مقدس به درجه فرماندهی رسید و به یکی از افتخارات بزرگش تبدیل شد. شبیه حاج قاسم سلیمانی در دل این فرهنگ ناب بسیارند. حاج احمد متوسلیان، دکتر مصطفی چمران، حاج ابراهیم همت، شهید حسین خرازی، شهید محمد بروجردی، شهید مهدی باکری، شهید علی چیت‌سازیان، شهید مهدی زین‌الدین و صدها نام دیگر، چهره‌های بزرگی هستند که وجود هر کدام‌شان می‌تواند مایه افتخار، مباهات و بزرگی یک ملت باشد و ملت ایران چه خوشبخت و سربلند است که می‌تواند نام این انسان‌های بزرگ را کنار هم ردیف کند و به غیرت و مردانگی‌شان بنازد.

■ **نام‌های بزرگ یک ملت**

چه فرماندهانی که نام و نشان‌شان به زیبایی با تاریخ دفاع مقدس گره خورده و چه رزمندگان و شهدای گمنامی که کمتر نام‌شان به گوشمان رسیده، همه در مسیر یک کار بسیار بزرگ و عزتمندانه قدم برداشته‌اند. آنها با گذشتن از بزرگ‌ترین دارایی‌شان که همان جان‌شان باشد، با تمام وجود از کیان انقلاب و اسلام و از مرزهای ایران دفاع کرده‌اند تا از جنگ تمام عیار دشمن، یک دفاع مقدس و یک حماسه و پیروزی بسازند.

همین سربازان خمینی کبیر بودند که زیر پرچم اسلام، فرهنگ تازه‌ای از مقاومت، ایثار و دفاع را به منصه ظهور رساندند. آنها با عملکرد، طرز تفکر، ویژگی‌های شخصیتی و اعتقادی، سبک زندگی و آن میزان از خلوص و از خودگذشتگی، دفاع مقدس را به یک الگوی ماندگار برای تمامی دوران‌ها تبدیل کردند. دفاع مقدس در تاریخ ایران به واقعه‌ای تبدیل شد که تا همیشه می‌توان با افتخار و سربلندی به آن نگاه کرد و هر بار درس‌های زیادی از آن آموخت. این دانشگاه بزرگ، یک منبع تمام نشدنی برای خودسازی و پرورش و تقویت معنویات و رسیدن به بالاترین درجات بشریت است. آری اینچنین شد که واژه جنگ تحمیلی هشت ساله به دفاع مقدس تبدیل شد و این دفاع با هویت «مقدس» همچنان باقی‌است و تا ابد باقی خواهد ماند.

رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان چهارمحال و بختیاری

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۰۳۹

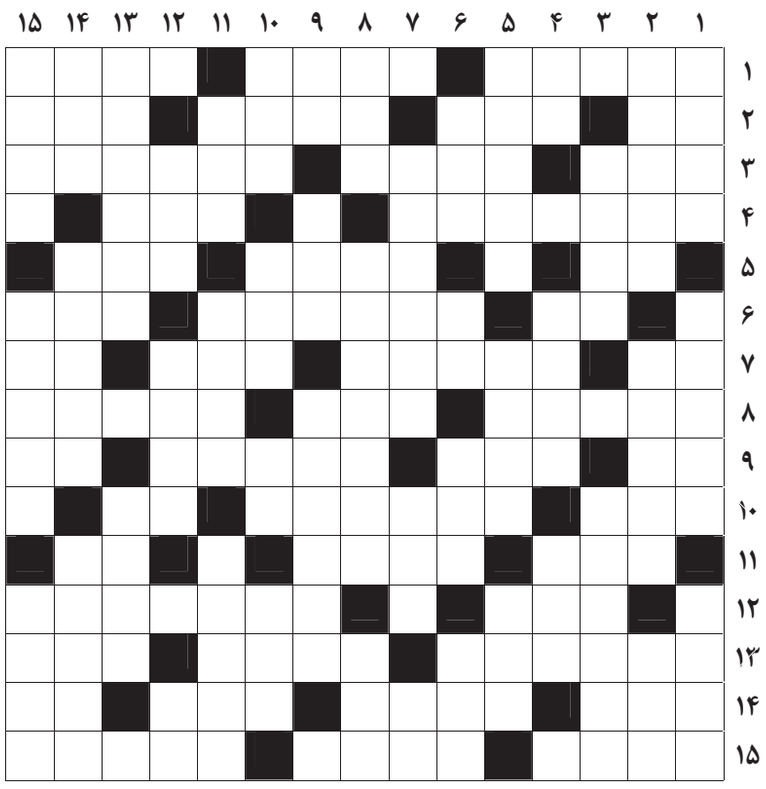

از راست به چپ

■ ۱- مشهورترین شاعر ایتالیایی- آلودگی صوتی- تکیه‌گاه ■ ۲- وصف توخالی- از تعجب هم در می‌آورند- اترار- خیس آذری ■ ۳- انعکاس صدا- وسط و بین- عنصر شیمیایی به کار رفته در لامپ‌های روشنایی ■ ۴- دستگیری متهم- کشک ■ ۵- همسایه تهران- گروه مجهز- دخان ■ ۶- رود فرانسوی- دعا- ملین ■ ۷- پول ژاپن- ساز زهی کوبه‌ای- نقره- ضمیر غایب ■ ۸- شهری در استان هرمزگان- عضو بی‌حس- فقیر و ندار ■ ۹- درخت زبان گنجشک- خبری را با صدای بلند گفتن- باور قلبی- ردیف بافتنی ■ ۱۰- سوره‌ای در قرآن- وکیلی که دادگاه خود برای متهم انتخاب می‌کند- با تاب خود روزآفرین می‌شود ■ ۱۱- از قبایل عرب جاهلی- تفریق- مادر تازی ■ ۱۲- تنه درخت- لباس رزم رستم ■ ۱۳- شروع ورزشی- پارچه ابریشمی- گناه ■ ۱۴- بندری تاریخی و زیبا در جنوب ایران- جودوی چینی- ملیت چخوف- وارونه سو ■ ۱۵- واحد ورزش مشتزنی- کیسه کاغذی نامه- بهت

از بالا به پایین

■ ۱- چهارپایان- بوزینه- عصای سالمندان ■ ۲- عقیده‌ها و اندیشه‌ها- فیلمی از رسول ملاقلی پور- مجلس اعیان ■ ۳- مهره شطرنج- کاشف اشعه ایکس ■ ۴- آتش روستایی- بافنده- خانه ■ ۵- وزیر فرعون- گیاه- چیدن محصول ■ ۶- گاوآهن- همراه پت- درس کشیدنی- جنگ‌افزار ورزشی ■ ۷- الکل حاصل از تخمیر مواد قندی- شهری در استان فارس- حرف روسی ■ ۸- سنگینی چیزی- معادل فارسی انرژی- آلت بافندگی ■ ۹- مساوی- جدول محاسبات نجومی- بزرگ‌ترین قسمت معده نشخوارکنندگان ■ ۱۰- بدمنظر- نگهبانی- شراب- از حیوانات درنده ■ ۱۱- لقبی اشرافی در اروپا- نوعی خودرو- ترشح و نشت ■ ۱۲- غبار- پرنده سخنگو- نگهبان گله ■ ۱۳- پایتخت ساسانیان- سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد ■ ۱۴- قطع سینمایی- کمد کشویی- نفت سیاه ■ ۱۵- خودی- مستمری و حقوق ماهانه- نوه اردشیر بابکان

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸	۵	۲						۱
						۶	۴	
			۸		۱			
	۷	۴			۳			
						۳	۶	
		۳		۵	۲			
						۸		۴
			۱		۹			
۵	۳						۲	

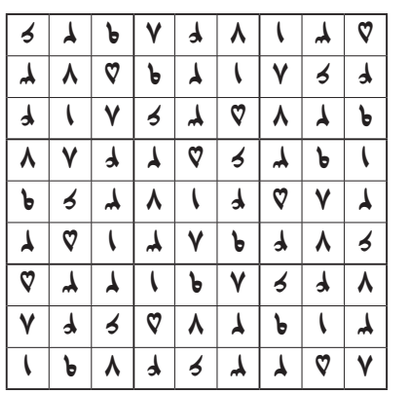

جدول کلمات متقاطع
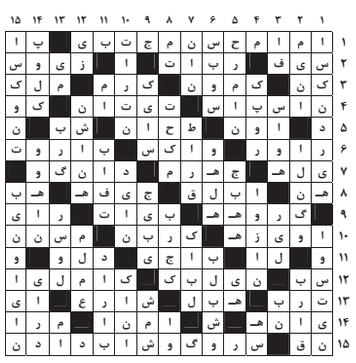
پاسخ جدول شماره ۶۰۳۸